

تأثیر قدرت مدیرعامل و مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود واقعی و تعهدی

مسلم خطیبانی نارنجکلی^۱، بهزاد نیکنام لمر^۲

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

چکیده

مدیران کارا توانایی استفاده بهتر از منابع موجود در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند. به عبارت دیگر، مدیر کارا کسی است که بتواند با استفاده از حداقل امکانات، حداکثر بهره را به سازمان برساند. از سوی دیگر، شناسایی مدیریت سود برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی عملکرد اقتصادی شرکت‌ها، پیش‌بینی سودآوری و تعیین ارزش آن‌ها اهمیت زیادی دارد. هدف این مقاله بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل و مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود واقعی و تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. در این مقاله، به منظور نمونه‌گیری از روش هدفمند، حذفی سیستماتیک استفاده شده است و در نهایت با توجه به محدودیت‌های فوق تعداد ۱۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفتند. این تحقیق از نوع کاربردی است و گردآوری داده‌های مورد نیاز تحقیق، به روش کتابخانه‌ای و اسنادکاوی انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها، از مدل‌های رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته و به روش تحلیل داده‌های ترکیبی استفاده شده است. سپس، توصیف آماری مربوط به متغیرها، آزمون‌های نرمالیت و ضرایب همبستگی بین تک تک متغیرها انجام شد. همچنین به منظور حذف متغیرهای کاذب نیز آزمون پایایی و سپس برای تعیین مدل رگرسیون آزمون‌ها و فروض کلاسیک رگرسیون انجام شد. در ادامه‌ی آزمون مدل‌ها با استفاده از روش داده‌های ترکیبی انجام و برای تعیین نوع مدل مورد استفاده در داده‌های ترکیبی از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به نتایج این آزمون، روش تخمین داده‌های تابلویی به عنوان روش مناسب انتخاب شد. نتایج تحقیق نشان داد که قدرت مدیریت باعث افزایش دستکاری در سود از طریق اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی و سطوح مختلف آن می‌شود. علاوه بر این از آنجایی که کشف مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی ساده است لذا مدیریت سود می‌کند تا این اقدام را از طریق دستکاری در فعالیت‌های واقعی سود انجام دهد. در نهایت، نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داده که قدرت مدیرعامل و مدیر مالی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، قدرت مدیر مالی، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی

۱- مقدمه

یکی از عوامل مهمی که امکان بروز رفتارهای فرصت طلبانه مدیران را فراهم می‌سازد، مدیریت سود است. با انجام این فرآیند، مدیران از قضاوت‌های شخصی در گزارشگری مالی استفاده کنند و گزارشگری مالی را ممکن است همراه کننده کنند. مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری نمایند. مدیریت سود با هدف همراه کردن برخی از افراد ذینفع در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت و یا به منظور تحت تأثیر قرار دادن نتایج ناشی از قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، صورت می‌گیرد. [20]. مدیریت سود به دو شکل اتفاق می‌افتد. نوعی از آن، مدیریت سود تعهدی است که در آن مدیران با دخالت در ارقام تعهدی اختیاری، سود را مدیریت می‌کنند. نوع دیگر، مدیریت سود ناشی از معاملات واقعی است که از طریق دخالت در زمان بندی وقوع معاملات اقتصادی واقعی، سود مدیریت می‌شود. [20]. بر این باورند مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران در گزارشگری مالی و انجام مبادلات اعمال نظر کنند تا با تغییر و تحریف گزارش‌های مالی، برخی سهامداران را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت همراه کنند یا بر پیامدهای قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد، تأثیر گذارند. آنها بیان کردند پیوندی مثبت میان میزان رفتارهای مخاطره آمیز مدیران و مدیریت سود وجود دارد؛ زیرا با توجه به خطرپذیری بسیار چنین راهکارهایی، سود واحد تجاری دچار نوسان می‌شود. در چنین موقعیتی مدیران به منظور جلوگیری از واکنش بازار به مدیریت سود دست می‌زنند تا از تبعات آن در امان بمانند.

مدیران عامل و مالی در طول دوره تصدی به دلایل مختلفی از جمله تردید بازار نسبت به توانایی آن‌ها در سال‌های ابتدایی و نگرانی شغلی (افق زمانی) در سال‌های پایانی، به مدیریت سود اقدام می‌کنند [9]. از طرف دیگر، مدیریت ممکن است به دلایلی مانند امنیت شغلی، دریافت پاداش، افزایش ارزش شرکت و سایر عوامل سود شرکت را بیشتر از واقع نشان دهد تا تصویر مطلوبی از عملکرد شرکت ارائه کند. به بیان دیگر، ممکن است مدیر برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، سود را مدیریت کند. این اقدام مدیر باعث می‌شود که سود گزارش شده متفاوت از سود واقعی شرکت شده و در نتیجه دارای کیفیت پایینی شده و نتواند نقش خود را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به خوبی ایفا کند [7].

تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که مدیران عامل و مدیران مالی توانایی بالقوه‌ای برای مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی دارند. با توجه به اهمیت صورت‌های مالی به ویژه صورت سود و زیان در تصمیم‌گیری برای دادن وام و اعتبار ممکن است مدیران شرکت‌ها برای جلب نظر مساعد دهندگان وضعیت مطلوبی از سودآوری شرکت را به نمایش گذارند تا ضمن جذب سرمایه لازم بتوانند هزینه بدهی را نیز کاهش دهند، از دیدگاه خوش بینانه، مدیریت به‌منظور تسهیل و افزایش توانایی سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی به مدیریت سود دست می‌زند. مدیران عامل به عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیئت مدیره نفوذ دارد. اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران همسو نباشد، در این صورت نفوذ و قدرت مدیرعامل مشکل ساز می‌شود، همچنین آنها مسئولیت عملیات استراتژیک شرکت را (یعنی عملکرد جاری و آتی شرکت) دارند، در حالی که مسئولیت مدیران مالی در نهایت تهیه گزارشات مالی با کیفیت است. [16]، [18]. تحت مفروضاتی که مدیریت سود واقعی با عملکرد آتی شرکت رابطه منفی دارد [26]، [11]. وجود مدیریت سود واقعی با مسئولیت مدیرعامل برای ذینفعان شرکت در تضاد می‌باشد. به طور مشابه، با فرض این که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد [17]، [23]. وجود مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی با نقش نظارتی مدیر مالی در فرآیند گزارشگری مالی در تضاد می‌باشد [16]. مطابق با چنین سناریویی، [19] شواهدی را فراهم نمودند که نشان می‌دهد مدیران

مالی به منظور دستیابی به سود هدف مدیریت سود واقعی را نسبت به مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی ترجیح می دهند. علاوه بر این، [16] دریافتند که هنگامی که هر دو مدیران عامل و مدیران مالی عهده دار دعاوی اجرایی کمیسیون بورس اوراق بهادار می باشند، مدیران عامل بیشتر در معرض اتهام مدیریت سود واقعی قرار می گیرند. به طور خلاصه، این تحقیقات نشان می دهند که مدیران عامل توانایی بیشتری برای تاثیرگذاری روی فرایند مدیریت سود با استفاده از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی دارند، در حالی که مدیران مالی توانایی بیشتری برای تاثیرگذاری روی فرایند مدیریت سود با استفاده از مدیریت سود واقعی دارند [10]. در واقع، سؤال اساسی که مطرح می شود، این است که تا چه میزان توانایی مدیران عامل و مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر مدیریت سود واقعی یا ارقام تعهدی تأثیر دارد؟ و آیا بین قدرت آن ها و انواع مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در ادبیات حسابداری، ارائه تعریف درستی از مدیریت سود بسیار دشوار است زیرا مرز بین مدیریت سود (هموارسازی سود) و تقلب های مالی را نمی توان به روشنی تعیین نمود. [25] مدیریت سود را به عنوان مداخله هدفمند در فرایند گزارشگری مالی با قصد تحصیل برخی منافع شخصی، تعریف می کند. این تعریف بر جنبه فرصت طلبانه مدیریت تمرکز دارد. مطالعات متعددی در مورد راهبری شرکتی، مدیران عامل، مدیران مالی، قدرت آنان و مدیریت سود صورت گرفته است و هر مطالعه تلاش نموده از منظر متفاوتی به بررسی این موضوعات بپردازد. به هر حال نتایج تعدادی از پژوهش ها که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، به شرح ذیل است:

انگ و همکاران [15] طی مطالعه ای، مدیریت سود واقعی بین شرکت های خانوادگی چینی و شرکت های خانوادگی آمریکایی پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ را مقایسه نموده اند. برای شرکت های نمونه آمریکایی، مدیریت سود واقعی در شرکت های خانوادگی نسبت به شرکت های غیر خانوادگی و در دوره پس از بحران به نسبت پیش از بحران، بیشتر وجود دارد. برای نمونه چینی، مدیریت سود واقعی در شرکت های خانوادگی نسبت به شرکت های غیر خانوادگی بیشتر است، اما مدیریت سود واقعی در شرکت های خانوادگی چینی نسبت به شرکت های غیر خانوادگی در دوره پس از بحران مالی نسبت به دوره قبل از بحران مالی پایین تر است. این یافته ها حاکی از آن بوده که فعالیت های مدیریت سود واقعی بین شرکت های خانوادگی آمریکایی و چینی در دوره های بحرانی و غیر بحرانی متفاوت است.

بیکر و همکاران [10] تأثیر قدرت مدیرعامل و مدیر مالی بر مدیریت سود ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداختند. آن ها همچنین بررسی نمود که آیا قانون ساربنیز - اکسلی (SOX) روی روابط این متغیرها تأثیری داشته است. آن ها دریافتند که در دوره قبل از تصویب قانون ساربنیز - اکسلی، هنگامی مدیرعامل (مدیر مالی) در مقایسه با مدیر مالی نسبتاً قوی تر است، مدیریت سود ارقام تعهدی (مدیریت سود واقعی) بزرگتر می باشد. همچنین، در دوره بعد از تصویب قانون ساربنیز - اکسلی، آن ها دریافتند که اثر قدرت مدیرعامل روی مدیریت سود ارقام تعهدی کاهش یافته در حالی که اثر قدرت مدیر مالی بر مدیریت سود واقعی پایدار است. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می دهد که قدرت مدیرعامل نسبت به مدیر مالی در هر دو نوع مدیریت سود عامل مهمی است.

دمرجیان و همکاران [14] در تحقیقی به بررسی توانایی مدیریتی و هموارسازی سود پرداختند. چون مطالعات قبلی شواهدی را نشان می داد که مدیران با توانایی بالا گزارش سود را با کیفیت بالاتری نشان می دهند، آن ها می خواستند به این نتیجه

برسند که آیا این رفتار معمول است؟ در نتیجه در این تحقیق به این موضوع رسیدند که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارش های مالی رابطه مثبتی وجود دارد و مدیران توانمندتر گزارش سود را با کیفیت بالاتری نشان می دهند.

علی و ژانگ [9] تغییرات در انگیزه مدیران عامل را برای مدیریت سود شرکتها در طول مدت اجرایی آنها بررسی نموده اند. نتایج این مطالعه نشان داده اند که مدیران عامل جدید سعی می کنند به طور مطلوب بر روی درک بازار از توانایی های آنها در سال های اولیه خدماتشان تأثیر بگذارند، زمانی که بازار بیشتر نامطوب است.

جیانگ و همکاران [22] در پژوهشی با عنوان «تاثیر دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود» در کشور چین به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری رابطه ای وجود ندارد. آنها بر اساس یافته های خود، نتیجه گرفتند که مدیرعامل های دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق تر و صورت های مالی با کیفیت تری را ارائه می کنند.

مقدم و همکاران [5] به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. یافته های حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان دادند در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، معاملات مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکتها تأثیر منفی معناداری دارند. این بدان معناست که افزایش معاملات مدیریتی موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شرکتها می شود. همچنین یافته های پژوهش نشان دادند قدرت مدیرعامل موجب تشدید رابطه منفی بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکتها می شود.

رهنمای رودپشتی و همکاران [1] در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر روی اهرم مالی شرکتها با استفاده از یک نمونه شامل ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که هر چقدر قدرت مدیرعامل افزایش پیدا کند به همان نسبت ساختار سرمایه شرکتها و نسبت اهرم مالی در جهت منفی حرکت خواهد کرد. و باعث کاهش بدهی در ساختار سرمایه شرکتها خواهد شد.

طاهری و همکاران [2] تحقیقی به بررسی تأثیر توانایی و دانش مالی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداختند. با توجه به محدودیت های تحقیق، ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. برای اندازه گیری متغیر توانایی از تکنیک تحلیل پوششی داده ها، و متغیر دانش مالی از نوع مدرک تحصیلی مدیران عامل، و همچنین جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی از معیار چند بُعدی که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می دهد، استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داده اند که توانایی مدیران عامل اثر مثبتی بر شفافیت گزارشگری مالی دارد، اما این تأثیر معنادار نشده است. همچنین بین دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط معناداری مشاهده نگردیده است. در نهایت، نتایج تحقیق نشان داده اند که توانایی و دانش مالی مدیران عامل بصورت همزمان اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارند.

نیکبخت و همکاران [8] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رقابت در بازار محصول پرداخته اند. در این راستا، توانایی مدیریت به صورت تمرکز توان مدیر برای بالا بردن میزان کارایی منابع شرکت تعریف شده است. برای محاسبه رقابت نیز از شاخص های لرنر، لرنر تعدیل شده و هرفیندال - هیرشمن استفاده شده است. جامعه آماری مورد بررسی شامل ۸۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که به روش تلفیق کل داده ها و رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. نتایج این پژوهش بیانگر تأیید فرضیه ها بوده و نشان داده است که توانایی مدیریت بر رقابت در بازار محصول تأثیر مثبت و معناداری دارد.

لاری دشت بیاض و همکاران [3] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت شرکت بر مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند. برای دستیابی به این هدف اطلاعات مالی ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌های مالی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ استفاده شده است. توانایی مدیریت از طریق تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها از طریق نرم افزار DEAP، و مدیریت سود واقعی با استفاده از سطح غیرعادی جریان وجه نقد عملیاتی و مدیریت سود تعهدی از طریق مدل تعدیل شده جونز اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان داده اند که توانایی مدیریت تأثیر منفی و معناداری بر میزان دستکاری سود (مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی) دارد.

ملازاده و همکاران [6] در تحقیق خود با عنوان تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود دریافتند که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معنی‌داری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد.

مهربانی و همکاران [4] به بررسی ارتباط بین قدرت مدیرعامل و سود حسابداری شرکت‌ها و همچنین تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر رابطه این دو متغیر پرداخته اند. برای این منظور از اطلاعات ۱۴۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران مربوط به سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۶ استفاده شده است. نتایج این بررسی نشان داده اند که بین قدرت مدیرعامل و سود حسابداری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد و همچنین در بررسی تأثیر کیفیت انواع اقلام تعهدی بر این رابطه، ارتباط مستقیم و معنی داری بین کیفیت اقلام تعهدی اختیاری و رابطه قدرت مدیرعامل و سود حسابداری وجود دارد، به طوری که با افزایش کیفیت اقلام تعهدی اختیاری رابطه بین دومتغیر تشدید می گردد اما بین کیفیت اقلام تعهدی کل و غیر اختیاری با رابطه قدرت مدیرعامل و سود حسابداری ارتباط معنی داری وجود ندارد.

۳-فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول:** قدرت مدیرعامل شرکت بر مدیریت سود اقلام تعهدی تأثیر معنی داری دارد.
- فرضیه دوم:** قدرت مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود اقلام تعهدی تأثیر معنی داری دارد.
- فرضیه سوم:** قدرت مدیرعامل شرکت بر مدیریت سود اقلام واقعی تأثیر معنی داری دارد.
- فرضیه چهارم:** قدرت مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود اقلام واقعی تأثیر معنی داری دارد.

۴-روش شناسی پژوهش

با توجه به اهداف ذکر شده پژوهش، این پژوهش از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر شیوه انجام، توصیفی مبتنی بر داده های کمی است. این پژوهش در پی یافتن رابطه بین متغیرهای پژوهش در یک جامعه است؛ بنابراین، پژوهش حاضر در زمره پژوهش های همبستگی قرار دارد. همچنین، پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است؛ یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می گیرد. همچنین در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مرتبط با مبنای نظری، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. سپس داده های مرتبط با متغیرهای پژوهش با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت های توضیحی شرکت‌ها منتخب و با استفاده از پایگاه های اطلاع رسانی بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار ره آورد نوین و تارنمای رسمی شرکت‌ها جمع آوری شدند. پس از جمع آوری داده ها، عملیات تلخیص داده های مرتبط با متغیرهای پژوهش

با استفاده از نرم افزار EXCEL انجام و سپس با استفاده از نرم افزار Eviews تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد. به دلیل اینکه معیار و ضوابط خاصی برای پذیرفتن و تداوم فعالیت شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران و نحوه گزارشگری مالی آنها وضع شده است و نیز وجود مقررات خاص و اعمال نظرات نهاد ناظر، اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی ایران شرکت‌ها از قابلیت اتکای مناسبی بر خوردار بوده است؛ به همین دلیل جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین برای افزایش پایایی متغیرها، پژوهش طی دوره زمانی هفت ساله (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷) انجام شده است. همچنین به دلیل گستردگی و حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهم‌هنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده اند.

۱. شرکت‌ها باید از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۷ در بورس حضور داشته باشند.
 ۲. شرکت‌ها جزء هلدینگ، سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، بانک، بیمه و لیزینگ نباشند؛ زیرا فعالیت و ساختار گزارشگری آن‌ها متفاوت است.
 ۳. شرکت‌ها در طول دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند و سال مالی آنها منتهی به اسفند ماه باشد.
 ۴. شرکت‌ها در طول دوره زمانی پژوهش وقفه عملیاتی بیش از سه ماه نداشته باشند؛ زیرا مقایسه پذیر بودن اطلاعات سالیانه آنها کاهش می یابد.
 ۵. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها به منظور استخراج داده ها در دسترس باشد.
- با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در بالا، در نهایت از بین جامعه آماری به صورت غربالگری ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

۵- مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

به پیروی از [10] برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش از مدل رگرسیونی چندمتغیره (۱) و فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره (۲) استفاده می شود.

مدل (۱)

$$DA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO - POWER_{i,t} + \beta_2 CFO - POWER_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \beta_5 \sigma SGROWTH_{i,t} + \beta_6 \sigma OPCASH_{i,t} + \beta_7 \sigma SALES_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)

$$DE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO - POWER_{i,t} + \beta_2 CFO - POWER_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \beta_5 \sigma SGROWTH_{i,t} + \beta_6 \sigma OPCASH_{i,t} + \beta_7 \sigma SALES_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۶- اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

مطابق تحقیق [10] و [21] از قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی استفاده می گردد. اقلام تعهدی اختیاری از مدل توسعه یافته توسط [13] به شرح مدل (۳) تخمین زده می‌شود:

مدل (۳)

$$ACC_{i,t} = \alpha + \delta_1(1 + K)\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t} + \delta_2 PPE_{i,t} + \delta_3 ACC_{i,t-1} + \delta_4 REV_GR_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

ACC = جریان نقد عملیاتی منهای سود قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر میانگین جمع دارایی ها

$\Delta SALES$ = تغییر در فروش (فروش سال جاری منهای فروش سال قبل) تقسیم بر میانگین جمع دارایی ها

ΔAR = تغییر در حساب های دریافتنی (حساب های دریافتنی سال جاری منهای حساب های دریافتنی سال قبل) تقسیم بر میانگین جمع دارایی ها

k = ضریب رگرسیون زیر می باشد:

$$\Delta AR = \alpha + k\Delta SALES + e$$

PPE = اموال، ماشین آلات و تجهیزات تقسیم بر میانگین جمع دارایی ها

REV_GR = تغییر در درآمد فروش (فروش سال بعد منهای فروش سال جاری) تقسیم بر درآمد فروش سال جاری

باقیمانده مدل (ε) برابر اقلام تعهدی اختیاری است که در این پژوهش قدر مطلق آن در سال آبه عنوان شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی ($|DA|$) در نظر گرفته می شود.

ب) مدیریت سود اقلام واقعی (DE)

به پیروی از [24]، [12] و [10] برای تخمین مخارج اختیاری غیرعادی به عنوان شاخص مدیریت سود واقعی از مدل رگرسیونی (۴) استفاده می گردد.

مدل (۴)

$$DE_{i,t} = \gamma_1(1 / SIZE_{i,t-1}) + \gamma_2(SALES_{i,t-1} / SIZE_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

DE = مجموع هزینه های تبلیغات، هزینه های تحقیق و توسعه و هزینه های عمومی، اداری و فروش سال جاری تقسیم بر جمع دارایی های ابتدای دوره مالی

$SIZE$ = جمع دارایی های ابتدای دوره مالی

$SALES$ = فروش خالص ابتدای دوره مالی

باقیمانده مدل (ε) برابر مخارج اختیاری غیرعادی است که در این پژوهش انحراف معیار آن در سال آبه عنوان شاخص مدیریت سود واقعی (DE) در نظر گرفته می شود. هرچه مقدار DE بیشتر منفی باشد بیانگر هزینه های اختیاری بیشتر است که به معنای افزایش مدیریت سود واقعی در دوره جاری است.

متغیر مستقل

۱. قدرت مدیرعامل (CEO's Power)

در این تحقیق برای اندازه گیری قدرت مدیرعامل به پیروی از [10] از شاخص دو ارزشی (CEO) استفاده می گردد بدین صورت که اگر مدیرعامل همزمان رئیس هیات مدیره نیز می باشد عدد یک می گیرد در غیر این صورت برابر صفر می باشد.

۲. قدرت مدیر مالی (CFO's Power)

در این تحقیق برای اندازه‌گیری قدرت مدیر مالی به پیروی از [10] از شاخص دو ارزشی (CFO) استفاده می‌گردد بدین صورت که اگر مدیر مالی همزمان عضو هیات مدیره نیز می‌باشد عدد یک می‌گیرد در غیر این صورت برابر صفر می‌باشد.

متغیرهای کنترلی

۱. اندازه (SIZE): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان سال مالی مدنظر.
۲. فرصت رشد (MTB): ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
۳. انحراف معیار جریان نقد عملیاتی (rOPCASH)
۴. انحراف معیار درآمد فروش (rSALES)
۵. انحراف معیار رشد فروش (SGROWTH)
۶. اهرم مالی (LEV): مجموع بدهی‌های پایان دوره تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان دوره.

۷- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. براساس داده‌های پژوهش، میانگین متغیر مدیریت سود تعهدی و واقعی (مخارج اختیاری غیرعادی) به عنوان متغیر وابسته در شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های مورد آزمون به ترتیب ۰,۴۷ و ۰,۰۳- بوده است. میانگین فرصت رشد شرکت نیز ۲,۷۵ بوده است که نشان دهنده میانگین ارزش روز شرکت‌های نمونه بالاتر از ارزش اسمی آنها است و با توجه به تورم و ایجاد فاصله بین قیمت اسمی و بازار در بورس ایران این موضوع منطقی است. همچنین میان متغیرهای مدیریت سود تعهدی و واقعی به ترتیب ۰,۴۶ و ۰,۰۱- می‌باشد که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی
مدیریت سود تعهدی	۰,۴۷	۰,۴۶	۰,۶۵	۰,۳۲	۰,۰۶	۰,۵۰
مدیریت سود واقعی	-۰,۰۳	-۰,۰۱	۰,۰۵	-۰,۶۹	۰,۵۱	۰,۳۳
اندازه شرکت	۵,۹۴	۵,۸۶	۸,۱۲	۴,۰۱	۰,۷۷	۰,۵۰
اهرم مالی	۰,۶۰	۰,۶۴	۰,۸۰	۰,۱۰	۰,۱۵	-۰,۴۴
فرصت رشد	۲,۷۵	۲,۳۹	۶,۷۵	۱,۱۰	۰,۱۴	۰,۱۸
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی	۰,۱۴	۰,۰۶	۰,۶۲	۰,۰۱	۰,۴۰	۰,۸۴
انحراف معیار درآمد فروش	۰,۲۸	۰,۱۵	۰,۷۵	۰,۰۲	۰,۳۸	۰,۵۶
انحراف معیار رشد فروش	۰,۲۵	۰,۱۸	۰,۶۷	۰,۰۵	۰,۲۰	۰,۶۷
مشاهدات	۹۱۰	۹۱۰	۹۱۰	۹۱۰	۹۱۰	۹۱۰

آمار توصیفی متغیرهای کیفی (کد ۰ و ۱)

متغیرهای کیفی	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰
قدرت مدیرعامل	۷۳	۸۳۷	۰,۰۸	۰,۹۲
قدرت مدیرمالی	۹۸	۸۱۲	۰,۱۰	۰,۹۰

متغیرهایی که به دو مقدار صفر و یک محدود می‌شوند امار توصیفی آن‌ها به صورت میانگین و میانه و ... کارایی نداشته و مفهومی را بیان نمی‌کند. این متغیرها باید از نظر تعداد فراوانی و درصد فراوانی بررسی شوند. لذا فراوانی شرکت‌هایی که در آنها مدیرعامل همزمان رئیس هیات مدیره نیز می‌باشد از مجموع ۹۱۰ مشاهده (۱۳۰ شرکت) ۷۳ مشاهده می‌باشند که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آن‌ها نیز حدوداً ۰,۰۸ می‌باشد و سایر شرکت‌ها نیز که مدیرعامل و رئیس هیات مدیره از یکدیگر تفکیک هستند دارای فراوانی ۸۳۷ و درصد فراوانی ۰,۹۲ می‌باشند که با توجه به اینکه سازمان بورس شرکت‌ها را ملزم به رعایت این موضوع نموده و وظایف مدیرعامل و رئیس هیات مدیره را تفکیک نموده است لذا نشان می‌دهد ۰,۹۲ شرکت‌ها این دستورالعمل را رعایت می‌کنند. همچنین فراوانی شرکت‌هایی که مدیرمالی آنها عضو هیات مدیره نیز است از مجموع ۹۱۰ مشاهده، ۹۸ مشاهده آن با درصد فراوانی ۰,۱۰ بوده که نشان می‌دهد حدوداً ۰,۱۰ از شرکت‌های نمونه مدیرمالی آنها عضو هیات مدیره نیز می‌باشد.

تحلیل همبستگی

ضریب همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه مستقیم یا معکوس را نشان می‌دهد. این ضریب بین ۱ تا -۱ است و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر، برابر صفر است. ضریب همبستگی پیرسون روشی پارامتری است و برای داده‌هایی با توزیع نرمال یا تعداد داده‌های زیاد استفاده می‌شود.

جدول ۲: نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

Probability	مدیریت سود تعهدی	مدیریت سود واقعی	قدرت مدیرعامل	قدرت مدیر مالی	اندازه شرکت	اهرم مالی	فرصت رشد	جریان نقد عملیاتی	درآمد فروش	رشد فروش
DA_WIN	۱									
P.V	-----									
DE_WIN	۰,۰۲	۱								
P.V	۰,۰۰	-----								
CEOPOWER_WIN	۰,۰۶	۰,۰۳	۱							
P.V	۰,۰۰	۰,۰۰	-----							
CFOPOWER_WIN	۰,۰۴	۰,۰۸	۰,۰۷	۱						
P.V	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	-----						

					۱	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۹	SIZE_WIN
					-----	۰,۱۵	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۰	P.V
				۱	-۰,۰۹	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۸	LEVE_WIN
				-----	۰,۰۰	۰,۱۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	P.V
			۱	-۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۸	۰,۰۸	-۰,۰۴	-۰,۰۷	MB_WIN
			-----	۰,۰۷	۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۰۶	۰,۱۵	۰,۰۳	P.V
		۱	۰,۰۵	۰,۱۶	۰,۰۷	-۰,۰۲	-۰,۰۱	۰,۱۳	-۰,۰۳	OPCASH_WIN
		-----	۰,۱۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۴	P.V
	۱	۰,۱۶	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۱۵	۰,۰۱	-۰,۰۱	-۰,۰۹	-۰,۱۱	SALES_WIN
	-----	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۰	P.V
۱	۰,۱۳	۰,۱۰	۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۲	۰,۰۴	-۰,۰۲	۰,۰۶	SGROWTH_WIN
-----	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۲۱	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۲۰	۰,۰۰	۰,۰۶	P.V

همبستگی بین مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی ۰,۰۲ و سطح خطای آن نیز کمتر از ۵٪ می باشد که نشان می دهد بین مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی یک همبستگی مثبت ۰,۰۲ و با اطمینان ۹۵٪ وجود دارد. همچنین بین قدرت مدیرعامل و مدیریت سود تعهدی نیز یک همبستگی مثبت ۰,۰۶ و با اطمینان ۹۵٪ وجود دارد. بین قدرت مدیرعامل و مدیریت سود واقعی نیز یک همبستگی مثبت ۰,۰۳ با اطمینان ۹۵٪ وجود دارد. سایر متغیرها نیز بدین شکل قابل تفسیر هستند. علاوه بر این با توجه به اینکه میزان و شدت همبستگی بین متغیرها کمتر از ۵۰٪ می باشد حاکی از عدم وجود همخطی بین متغیرهاست.

۸- نتایج آزمون پایایی متغیرها

پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش بین سال های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی شود. وجود متغیرهای ناپایا در مدل سبب می شود تا آزمون های تی استیودنت و فیشر از اعتبار لازم برخوردار نباشند و کمیت های بحرانی ارائه شده توسط توزیع های مذکور، مقادیر صحیحی برای انجام آزمون های آماری نباشند از مزمون پایایی با استفاده از روش های آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، آزمون ریشه واحد فیشر، دیکی فولر تعمیم یافته، ایم پسران و شین، و آزمون ریشه واحد فیشر فلیپس پرو (۲۰۰۱) انجام شده است. نتایج آزمون پایایی متغیرها نشان می دهد که سطح خطای تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ درصد بوده و متغیرهای پژوهش پایا می باشند؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد داشتن متغیرها رد می شود. و استفاده از متغیرها در برآورد مدل های پژوهش، منجر به رگرسیون کاذب نمی شود. همچنین از آنجایی که متغیرهای ئوگانگی مدیرعامل و قدرت مدیر مالی به دو مقدار صفر و یک محدود می شوند دارای خاصیت پایایی می باشند.

جدول ۳: نتایج آزمون پایایی متغیرها

متغیرها		لوین، لین و چو		ایم پسران و شین		فیشر دیکی فولر		فیشر، فلیپس پرو	
		p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره
مدیریت سود تعهدی		۰,۰۰۰	-۲۷,۴۹	۰,۰۰۰	-۸,۶۵	۰,۰۰۰	۵۴۹,۳	۰,۰۰۰	۷۱۴,۷
مدیریت سود واقعی		۰,۰۰	-۲۵,۰۶	۰,۰۰	-۵,۵۵	۰,۰۰	۴۲۲,۰۸	۰,۰۰	۵۵۴,۲
اندازه شرکت		۰,۰۰۰	-۲۷,۵۱	۰,۰۰۰	-۸,۶۸	۰,۰۰۰	۵۵۰,۴۷	۰,۰۰۰	۷۱۸,۷
اهرم مالی		۰,۰۰۰	-۲۴,۷۹	۰,۰۰۰	۴,۲۸	۰,۰۰۰	۴۱۳,۹	۰,۰۰۰	۴۸۴,۸
فرصت رشد		۰,۰۰۰	-۴۲,۸۰	۰,۰۰۰	-۶,۴۳	۰,۰۰۰	۴۰۹,۵	۰,۰۰	۴۷۵,۱
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی		۰,۰۰۰	-۱۵۶,۱	۰,۰۰۰	-۱۶,۹۲	۰,۰۰۰	۵۴۹,۶	۰,۰۰۰	۶۸۶,۷
انحراف معیار درآمد فروش		۰,۰۰۰	-۳۱۸,۱	۰,۰۰۰	-۲۷,۱۷	۰,۰۰۰	۵۹۲,۵	۰,۰۰۰	۶۸۷,۵
انحراف معیار رشد فروش		۰,۰۰۰	-۳۸,۱	۰,۰۰۰	-۶,۹۳	۰,۰۰۰	۴۴۳	۰,۰۰۰	۵۴۷,۵

نتایج برآورد مدل های پژوهش

برای انتخاب بین روش های داده های تابلویی و داده های تلفیقی، از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شد. در آزمون چاو، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأ ها (داده های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده های تابلویی) قرار می گیرد. اگر سطح خطای آزمون چاو از ۵٪ کوچکتر باشد، مدل داده های تابلویی پذیرفته می شود و در غیر این صورت و مناسب بودن داده های تحقیق از روش داده های تلفیق شده یا یکپارچه شده برای آزمون فرضیه ها استفاده می شود.

جدول ۴: نتایج آزمون F لیمر یا چاو(همسانی عرض از مبدأ های مقاطع)

آزمون چاو	آماره F	سطح خطا	نتیجه آزمون	نوع روش
H_0 : یکسانی عرض از مبدأ های مقاطع	۸,۱۴	۰,۰۰	H_0 رد می شود	داده های تابلویی
H_0 : یکسانی عرض از مبدأ های مقاطع	۶,۵۳	۰,۰۰	H_0 رد می شود	داده های تابلویی

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شود، آماره F در سطح خطای ۵ درصد معنی دار است (سطح خطا کوچکتر از ۵٪)، بنابراین، آزمون چاو، مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره ها را به طور قوی رد کرده است. از این رو، در این آزمون روش اثرات ثابت پذیرفته می شود. در مرحله ی بعد، روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. اگر آماره ی محاسباتی در سطح خطای ۵ درصد معنی دار باشد، فرضیه اثرات تصادفی رد می شود و مدل اثرات ثابت پذیرفته می شود و در غیر این صورت روش اثرات تصادفی به عنوان روش تخمین مدل پذیرفته می شود.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

آزمون هاسمن	کای اسکوئر	سطح خطا	نتیجه آزمون	نوع روش
عدم وجود ارتباط بین متغیر مستقل و خطای تخمین	۶,۸۱	۰,۴۴	H0 رد نمی شود	اثرات تصادفی
عدم وجود ارتباط بین متغیر مستقل و خطای تخمین	۷,۹۹	۰,۴۳	H0 رد نمی شود	اثرات تصادفی

با توجه به اینکه آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن برای مدل پژوهش در سطح خطای ۵ درصد معنی دار نشده است (بزرگتر از ۵٪)، بنابراین، فرض یک این آزمون مبنی بر وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی رد شده است؛ از این رو، برای برآورد مدل‌های تحقیق از روش اثرات تصادفی استفاده خواهد شد.

نرمال بودن باقی‌مانده‌های مدل

آزمون رایج جهت نرمال بودن باقی‌مانده‌های مدل آزمون جاک-برا (JB) است. در آزمون جاک-برا با استفاده از کشیدگی و چولگی توزیع جملات پسماند، نرمال بودن یا نبودن توزیع جملات خطا را بررسی می‌گردد. در این آزمون فرض H_0 بدین شرح است که جملات خطا به طور نرمال توزیع می‌شوند و فرض مقابل آن نیز بیان کننده این موضوع است که جملات خطا به طور نرمال توزیع نمی‌شوند. در این آزمون اگر سطح خطا از ۵٪ کوچکتر باشد به منزله تایید فرض H_1 و در صورتی که سطح خطا از ۵٪ بزرگتر باشد فرض H_0 پذیرفته می‌شود و نتیجه می‌گیریم که جملات خطا در رگرسیون مرتبط با هر یک از متغیرها به طور نرمال توزیع شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته‌ی تحقیق و جز اخلال

نام متغیر	باقی مانده مدل	مدیریت سود تعهدی	مدیریت سود واقعی
آماره آزمون جاک برا	۱,۴۰	۱,۴۳	۱,۲۱
سطح خطا	۰,۵۰	۰,۴۷	۰,۷۵

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود آماره‌ی آزمون نرمال بودن متغیر وابسته و باقی مانده مدل و سطح معناداری آن‌ها بیانگر تایید فرضیه‌ی H_0 و رد فرضیه‌ی H_1 بوده است. به بیان دیگر، متغیر وابسته و باقیمانده مدل رگرسیون تحقیق دارای توزیع غیر نرمال نیست.

همسانی واریانس باقی‌مانده‌ها

ناهمسانی واریانس به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر هستند. نتایج حاصل از آزمون همسانی واریانس باقی‌مانده‌های مدل‌های تحقیق با استفاده از آزمون وایت، بروش پاگان، آزمون لاگرانژ و گلجسر به شرح زیر تشریح شده است:

جدول ۷: نتایج آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رگرسیون

شرح مدل	بروش پاگان	گلجسر	وایت	لاگرانژ	نتیجه	روش منتخب
مدل اول	آماره F	۰,۷۶	۱,۰۵	۰,۸۴	۶,۸۱	همسانی واریانس
	p.v	۰,۶۳	۰,۳۹	۰,۵۵	۰,۵۵	
مدل اول	آماره F	۱,۴۲	۱,۰۲	۱,۴۳	۱۱,۴۶	همسانی واریانس
	p.v	۰,۱۸	۰,۳۹	۰,۱۷	۰,۱۷	

برای برآورد الگوهای رگرسیون خطی، معمولاً از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می‌شود. این روش دارای ویژگی‌های مطلوب آماری مانند بهترین برآورد کننده خطی بدون تورش است؛ اما برای رفع مشکلاتی همچون ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود از آنجایی که سطح خطای آزمون‌های مذکور از ۵٪ بزرگتر می‌باشد لذا آماره‌های آزمون نشان دهنده همسانی واریانس بوده و سطح معنی داری آنها فرض صفر این آزمون مبنی بر همسانی واریانس را تایید کرده‌اند. به بیان دیگر، باقی مانده‌های حاصل از تخمین مدل تحقیق، دارای واریانس ثابت بوده است. در این گونه موارد باید از همان روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، رگرسیون را تخمین زد.

عدم وجود هم خطی

یکی از راه‌های شناسایی وجود یا نبود رابطه همخطی، استفاده از شاخص تورم واریانس (vif) بین متغیرهای مستقل است. این عامل نشان می‌دهد که واریانس ضرایب تخمینی تا چه حد نسبت به حالتی که متغیرهای تخمینی، هم بستگی خطی ندارند، متورم شده است. اگر مقدار این آماره بین ۱,۵ تا ۲,۵ باشد، خود همبستگی در مقادیر خطای مدل رد می‌شود. با توجه به میزان آماره‌ی دوربین واتسون حاصل شده در جداول ادامه وجود؛ خود همبستگی در مقادیر خطای مدل رد می‌شود.

عدم وجود خطای تصریح (آزمون ریست رمزی)

این فرض بیان می‌کند آیا فرم تابعی مدل به درستی انتخاب شده است یا خیر؟ برای آزمون این که مدل دارای رابطه خطی است یا غیرخطی و این که آیا مدل موردنظر تحقیق از نظر رابطه خطی بودن و یا غیر خطی بودن درست تبیین شده است یا خیر از آزمون ریست رمزی استفاده گردیده است. با توجه به اینکه سطح خطای آماره F آزمون ریست رمزی محاسبه شده در مدل بزرگتر از ۵٪ است نشان می‌دهد که مدل رگرسیون یک تابع خطی می‌باشد لذا فرض صفر یعنی خطی بودن مدل تایید می‌گردد. همچنین علاوه بر آزمون ریست رمزی؛ سطح خطای آماره F نسبت درستنمایی محاسبه شده نیز بزرگتر از ۵٪ بوده و نشان می‌دهد که مدل رگرسیون یک تابع خطی می‌باشد لذا فرض صفر یعنی خطی بودن مدل تایید می‌گردد.

جدول ۸: نتایج آزمون ریست رمزی مدل رگرسیون

نسبت راست نمایی		آزمون ریست رمزی		مدل تحقیق
سطح معنی داری	آماره ی F	سطح معنی داری	آماره ی F	مدل اول
۰,۶۵	۰,۱۹	۰,۶۶	۰,۱۹	
۰,۴۲	۰,۶۲	۰,۴۳	۰,۶۲	مدل دوم

۹-آزمون مدل اول پژوهش

نتایج مدل پژوهش به شرح جدول (۹) بیان شده است. همان گونه که مشاهده می شود، معنی داری آماره فیشر (۵۳۶,۲۵) در سطح ۵٪ حاکی از معنی داری کلی مدل برآورد شده است بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) ۰,۴۶۷ است. این عدد نشان می دهد که تقریباً ۰,۴۷ از تغییرات متغیر وابسته را می توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۰,۵۳ دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگتر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود. مقدار آماره دوربین واتسون (۲,۲۱) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست (نرمال آن باید بین ۱,۵ تا ۲,۵ باشد). مقدار شاخص عامل تورم واریانس (VIF) نیز نشان می دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ (در برخی دیگر از منابع عدد ۱۰ نیز ذکر شده است) باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد.

جدول ۹: نتایج آزمون مدل اول پژوهش در سطح داده های تابلویی (OLS)

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	تی- استیودنت	سطح خطا	VIF
مدیریت سود تعهدی	DA	--	--	--	--
مقدار ثابت معادله	β_0	۰,۰۰۳	۱,۲۰	۰,۲۲	--
قدرت مدیرعامل	CEOPower	۰,۰۸	۲,۱۴	۰,۰۳	۱,۰۰۶
قدرت مدیر مالی	CFOPower	۰,۰۳	۲,۱۱	۰,۰۳	۱,۰۳
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۸	۴,۵۶	۰,۰۰	۱,۰۳
فرصت رشد	MTB	-۰,۰۷	-۲,۱۷	۰,۰۳	۱,۰۴
اهرم مالی	Leve	۰,۰۵	۳,۱۶	۰,۰۰	۱,۰۱
انحراف معیار رشد فروش	SGrowth σ	۰,۰۵	۲,۱۱	۰,۰۳	۱,۰۰۹
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی	Opcash σ	-۰,۰۳	-۲,۴۸	۰,۰۱	۱,۰۰۴
انحراف معیار درآمد فروش	SALE σ	۰,۰۴	۲,۹۹	۰,۰۰	۱,۰۲
ضریب تعیین تعدیل شده R^2		۰,۴۶۷			

F فیشر (رگرسیون) (سطح خطا)	۵۳۶,۲۵ (۰,۰۰۰)
دوربین واتسون	۲,۲۱

فرضیه اول: قدرت مدیرعامل شرکت بر مدیریت سود اقلام تعهدی تأثیر معنی داری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۹) آماره‌ی تی-استیودنت مربوط به متغیر مستقل قدرت مدیرعامل (**CEOpower**) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۱۴ و ۰,۰۳ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۸ می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در قدرت مدیرعامل، مدیریت سود اقلام تعهدی ۰,۰۸ افزایش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر قدرت مدیرعامل تأثیر معناداری بر مدیریت سود اقلام تعهدی داشته و فرضیه‌ی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (**CEOpower**) مثبت می‌باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و معنی داری بین قدرت مدیرعامل و مدیریت سود اقلام تعهدی وجود دارد.

فرضیه دوم: قدرت مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود اقلام تعهدی تأثیر معنی داری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۹) آماره‌ی تی-استیودنت مربوط به متغیر مستقل قدرت مدیر مالی (**CFOpower**) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۱۱ و ۰,۰۳ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۳ می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در قدرت مدیر مالی، مدیریت سود اقلام تعهدی ۰,۰۳ افزایش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر قدرت مدیر مالی تأثیر معناداری بر مدیریت سود اقلام تعهدی داشته و فرضیه‌ی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (**CFOpower**) مثبت می‌باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و معنی داری بین قدرت مدیر مالی و مدیریت سود اقلام تعهدی وجود دارد.

۱۰-آزمون مدل دوم پژوهش

نتایج مدل پژوهش به شرح جدول (۱۰) بیان شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود، معنی داری آماره فیشر (۲۴۹,۳۵) در سطح ۵٪ حاکی از معنی داری کلی مدل برآورد شده است بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) ۰,۴۶ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۰,۴۶ از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۰,۵۴ دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگتر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود. مقدار آماره دوربین واتسون (۲,۳۳) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست (نرمال آن باید بین ۱,۵ تا ۲,۵ باشد). مقدار شاخص عامل تورم واریانس (VIF) نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ (در برخی دیگر از منابع عدد ۱۰ نیز ذکر شده است) باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون مدل پژوهش در سطح داده های تابلویی (OLS)

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	تی-استیودنت	سطح خطا	VIF
مدیریت سود واقعی	DE	--	--	--	--
مقدار ثابت معادله	β_0	-۰,۵۶	-۱,۰۸	۰,۲۷	--
قدرت مدیرعامل	CEOPower	۰,۱۲	۲,۲۸	۰,۰۲	۱,۰۰۶
قدرت مدیر مالی	CFOPower	۰,۰۸	۳,۱۲	۰,۰۰	۱,۰۰۳
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۷	۲,۰۳	۰,۰۴	۱,۰۰۳
فرصت رشد	MTB	-۰,۰۵	-۳,۳۶	۰,۰۰	۱,۰۰۴
اهرم مالی	Leve	۰,۰۱	۲,۰۵	۰,۰۴	۱,۰۰۱
انحراف معیار رشد فروش	SGrowth σ	۰,۱۱	۲,۹۰	۰,۰۰	۱,۰۰۹
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی	Opcash σ	-۰,۰۷	-۳,۸۴	۰,۰۰	۱,۰۰۴
انحراف معیار درآمد فروش	SALE σ	۰,۰۴	۲,۰۱	۰,۰۴	۱,۰۰۲
ضریب تعیین تعدیل شده R^2		۰,۴۶			
F فیشر (رگرسیون) (سطح خطا)		۲۴۹,۳۵ (۰,۰۰۰)			
دوربین واتسون		۲,۳۳			

فرضیه سوم: قدرت مدیرعامل شرکت بر مدیریت سود واقعی تأثیر معنی داری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۱۰) آماره تی-استیودنت مربوط به متغیر مستقل قدرت مدیرعامل (CEOPower) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۲۸ و ۰,۰۲ بوده و ضریب آن نیز ۰,۱۲ می باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در قدرت مدیرعامل، مدیریت سود واقعی ۰,۱۲ افزایش می یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر قدرت مدیرعامل تأثیر معناداری بر مدیریت سود واقعی داشته و فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می گیرد. ضریب متغیر (CEOPower) مثبت می باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و معنی داری بین قدرت مدیرعامل و مدیریت سود واقعی وجود دارد.

فرضیه چهارم: قدرت مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود واقعی تأثیر معنی داری دارد.

با توجه به نتایج جدول (۱۰) آماره تی-استیودنت مربوط به متغیر مستقل قدرت مدیر مالی (CFOPower) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۳,۱۲ و ۰,۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۸ می باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در قدرت مدیر مالی، مدیریت سود واقعی ۰,۰۸ افزایش می یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر قدرت مدیر مالی تأثیر معناداری بر مدیریت سود واقعی داشته و فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می گیرد. ضریب متغیر (CFOPower) مثبت می باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و معنی داری بین قدرت مدیر مالی و مدیریت سود واقعی وجود دارد.

نتایج متغیرهای کنترلی نیز نشان داد که رابطه مثبت معنی داری بین اندازه شرکت با مدیریت سود تعهدی و واقعی وجود دارد این نتیجه بیانگر این مطلب است که شرکت‌های بزرگتر؛ بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند. دلیل اول آن است که شرکت‌های نسبتاً بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک از نظر سیاسی حساس‌تر هستند نوسانات مثبت با اهمیت سود در شرکت‌های بزرگ ممکن است سبب افزایش تردید در مورد سود انحصاری گردد. به عبارت دیگر، افزایش قابلیت وجه در سود شرکت‌های بزرگ ممکن است این شبهه را پدید آورد که این شرکت‌ها با استفاده از قدرت انحصاری خود سود را افزایش داده‌اند. از سوی دیگر، نوسانات منفی با اهمیت سود در شرکت‌های بزرگ سبب نگرانی در مورد ورشکستگی احتمالی گردیده و تصویر شرکت را در محیط تجاری که واحد تجاری در آن فعالیت می‌نماید خراب نماید. همچنین نوسانات قابلیت وجه در سود شرکت‌های بزرگ، احتمال ایجاد هزینه‌های سیاسی ناخواسته نظیر تقاضای افزایش دستمزد توسط کارکنان شرکت، محدودیت‌های مهارکننده توسط دولت را افزایش دهد. بنابراین، شرکت‌های بزرگ انگیزه بیشتری برای مدیریت سود دارند. دلیل دوم آن است که با بزرگتر شدن شرکت‌ها، مسئولیت پاسخ‌گویی مدیران در مقابل ذی‌نفعان بیشتر، افزایش می‌یابد.

رابطه مثبت و معنی داری بین اهرم مالی و مدیریت سود تعهدی و واقعی مشاهده شد زیرا مدیران شرکت‌ها انگیزه بیشتری دارند تا از طریق مدیریت سود اعتباردهندگان را راضی نگه دارند. به عبارت دیگر شرکت‌ها به منظور کاهش ریسک اقدام به مدیریت سود می‌نمایند، شرکت‌هایی که از نسبت بدهی به کل دارایی‌های بالایی برخوردار می‌باشند به منظور اطمینان بخشی به اعتباردهندگان مبنی بر توانایی پرداخت اصل و بهره وام‌ها و اعتبارات دریافتی اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. عدم وجود نوسانات قابل توجه در سود این اطمینان را برای اعتبار دهندگان پدید می‌آورد که واحد تجاری در آینده قادر به پرداخت مطالبات آنان خواهد بود.

سایر نتایج متغیرهای کنترلی نیز نشان داد که رابطه منفی و معنی داری بین فرصت رشد شرکت، انحراف معیار جریان نقد عملیات، انحراف معیار درآمد فروش و انحراف معیار رشد فروش با مدیریت سود تعهدی و واقعی وجود دارد تایید متغیرهای کنترلی یاد شده نشان از تأثیر این متغیرها بر متغیر وابسته بوده و به درستی تشخیص و در مدل تخمین زده شده‌اند.

۱۱- بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل و مدیر مالی شرکت بر مدیریت سود واقعی و تعهدی بوده است. بر اساس تئوری نمایندگی که اشاره به جدایی مالکیت از مدیریت شرکت‌ها دارد، مدیران و به خصوص مدیران عامل که در رأس هرم مدیریت قرار دارند، تصمیمات مهم عملیاتی و استراتژیکی را اتخاذ می‌کنند که تأثیر به سزایی در عملکرد و سود شرکت دارد و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا احتمال دارد با افزایش قدرت مدیرعامل که در پی ثبات و عدم تغییر وی بوجود می‌آید، تصمیمات آن با توجه به اینکه به صورت فردی گرفته می‌شود، سود حسابداری را دچار نوسان و تغییرات بیشتری گرداند لذا یکی از مواقعی که انگیزه‌های مدیریت برای مدیریت سود برانگیخته می‌شود؛ ثبات مدیریت و عدم تغییر وی است.

نتایج تحقیق نشان داد که قدرت مدیریت باعث افزایش دستکاری در سود از طریق اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی و سطوح مختلف آن می‌شود. علاوه بر این از آنجایی که کشف مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی ساده است لذا مدیریت سود می‌کند تا این اقدام را از طریق دستکاری در فعالیت‌های واقعی سود انجام دهد. نتایج این پژوهش در چارچوب انگیزه‌های نمایندگی قابل تبیین است به بیان دیگر بر اساس مبانی تئوری نمایندگی بین منافع مدیران و سهامداران همسویی وجود ندارد در نتیجه مدیران شرکت در وهله اول به دنبال دستیابی به منافع خود می‌باشند که این امر ممکن است موجب زیان سهامداران گردد.

در واقع مدیران شرکت با توجه به اولویت در اهداف و منافع خود و همچنین بر اساس قدرتی که بر اثر عدم تغییر و ثبات مدیریتی خود به دست آورده است ممکن است اقدام به اخذ تصمیماتی نماید که در کوتاه مدت اهداف خود را تامین نماید و در بلندمدت به ثروت سهامداران لطمه وارد کند. لذا مدیریت از طریق اعمال مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی و واقعی سعی می کند تا عملکرد شرکت را مطلوب نشان داده و باعث شود تا مدیریت خود را تداوم بخشد. از سوی دیگر این نتایج را می توان به بیش اطمینانی مدیریت نیز مرتبط دانست. در واقع ثبات و عدم تغییر مدیریت می تواند منجر به بیش اطمینانی مدیر شود و مدیران بیش اطمینان ممکن است به دلیل اطمینان بیش از حدی که به گزارش فعالیت های شرکت دارند، برای ارائه تصویر مطلوبی از عملکرد مالی خویش، تمایل بیشتری به اعمال مدیریت سود داشته باشند.

۱۲- پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی برای استفاده از نتایج به شرح زیر ارائه می شوند:

۱- براساس نتایج فرضیه شماره ۱، ۲ نشان داده شده ثبات و قدرت مدیریت باعث افزایش مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی می شود لذا به سرمایه گذاران توصیه می شود، در هنگام تصمیم گیری بر اساس اطلاعات مندرج در صورت های مالی، در صورت ثبات مدیریت، احتمال مدیریت سود را با توجه به انگیزه های مدیریت، مورد توجه قرار دهند.

۲- براساس نتایج فرضیه شماره ۳ از آن جایی که امکان مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی محدودتر و کشف آن نیز توسط حسابرسان ساده تر است لذا ممکن است مدیران بیشتر اقدام به دستکاری فعالیت های واقعی سود نمایند که کشف آنها مشکل تر است، لذا پیشنهاد می شود تا سرمایه گذاران علاوه بر دقت در مدیریت سود اقلام تعهدی، به اقدامات مشکوک به دستکاری سود ناشی از فعالیت های واقعی نیز توجه کنند.

۳- با توجه به نتایج فرضیه شماره ۴، به دلیل این که امکان به کارگیری فعالیت های واقعی و دستکاری سود برای انجام مدیریت سود توسط مدیر، وجود دارد، لذا سازمان حسابرسی به عنوان تدوین کننده استانداردهای حسابداری و حسابرسی باید به این انگیزه های مدیران، هنگام تدوین استاندارد توجه نماید. همچنین، باید توجه داشت که برخی از استانداردها نسبت به استانداردهای دیگر، به دلیل نیاز به اعمال قضاوت بیشتر در مورد آنها و امکان برداشت های متفاوت از آنها، دارای زمینه های بهتری برای انجام مدیریت سود هستند. بنابراین، سازمان حسابرسی باید محدوده های هر استاندارد را تا حد ممکن، مشخص کند تا به این طریق بتواند آزادی عمل مدیران را کاهش دهد. البته باید توجه داشت که محدود کردن بیش از حد استانداردها ممکن است باعث کاهش سودمندی گزارشگری مالی شود. لذا وظیفه ای این سازمان، آن است که بین آزادی عمل مدیران و احتمال انجام مدیریت سود تعادل برقرار کند.

همچنین برای انجام پژوهش های بیشتر در زمان آینده، موضوع های پژوهشی جدید به شرح زیر ارائه می شوند:

۱- در این تحقیق، عدم تغییر مدیرعامل و یا یکی از اعضای هیئت مدیره در یک سال مالی به عنوان شاخص ثبات مدیریت در نظر گرفته شده است. محققان می توانند با تغییر این شاخص، با در نظر گرفتن تغییر اکثریت اعضای موظف هیئت مدیره، به بررسی مدیریت سود بپردازند.

۲- کارایی حاکمیت شرکتی به منظور نظارت بر عملکرد مدیران نیز به عنوان یکی از موضوع های جذاب تغییر مدیریت است که می توان در آینده به آن پرداخت. بدین معنی که ساز و کارهای حاکمیت شرکتی قوی، مدیران با عملکرد ضعیف را تغییر خواهد داد.

- ۳- با وجود اینکه در حوزه عدم تغییر مدیریت و مدیریت سود تحقیقات مشابهی در ایران یافت نشده است، با انجام تحقیقات مشابه در بازه‌های زمانی مختلف در ایران می‌توان به تشریح بهتر این رابطه پرداخت.
- ۴- از آنجایی که در این پژوهش نمونه‌های آماری به تفکیک نوع صنعت مورد بررسی قرار نگرفته است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این رابطه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نوع صنعت (از جمله بانکها و موسسات بیمه) نیز انجام گیرد.

فهرست منابع

- [1] رهنمای رودپشتی، فریدون، زندی، اناهیتا (۱۳۹۸) قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه مبتنی بر مدل لی. پژوهش حسابداری و حسابرسی، دوره ۹، شماره ۱، صص 1-20.
- [2] طاهری عابد، رضا، علی نژاد ساروکلائی، مهدی و فغانی ماکرانی، خسرو (۱۳۹۷). تأثیر توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی، دانش حسابداری مالی، دوره پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۷، صص ۸۵-۱۱۰.
- [3] لاری دشت بیاض، محمود، فلاح حسن، حسین، ناظم خلباص الاهلی، هدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی‌های مدیران بر مدیریت سود واقعی و تهیدی، پانزدهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- [4] محمودی مهربانی، علیرضا، پورزمانی، زهرا، روحی، علی. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و سود حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - پژوهشکده کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- [5] مقدم، عبدالکریم، ظاهری عبده وند، سمیه، تامرادی، علی. (۱۴۰۰). تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین معاملات مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی. سال سیزدهم. شماره اول. صص ۸۷-۱۰۸.
- [6] ملازاده، محمد؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ ساعی، محمدجواد، (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۳۷-۵۹.
- [7] نصرالهی، زهرا و زهره عارف منش، (۱۳۸۹). بررسی رابطه مالکیت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، تهران، دانش حسابداری، سال اول، شماره، صص ۱۳۸-۱۱۷.
- [8] نیکبخت، محمدرضا، قاسمی، علی (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت بر رقابت در بازار محصول. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰ (۴۰)، ۱۳۷-۱۴۶.
- [9] Ali, A. & Zhang, W. (2015). CEO tenure and Earnings Management. Journal of Accounting and Economics, 59(1), 60-79.
- [10] Baker, T. A., Lopez T. J., Reitenga, A. L., and Ruch, G. W. (2018). The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management, Rev Quant Finan Acc, <https://doi.org/10.1007/s11156-018-0711-z>.
- [11] Bhojraj S, Hribar P, Picconi M, McInnis J (2009) Making sense of cents: an examination of firms that marginally miss or beat analyst forecasts. J Financ 64(5):2359-2386.
- [12] Cohen D, Dey A, Lys T (2008) Real and accrual based earnings management in the pre- and post-Sarbanes.
- [13] Dechow, P., & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. The Accounting Review, 77(s-1), 35-59.

- [14] Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (2017). How does intentional earnings smoothing vary with managerial ability?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 0148558X17748405.
- [15] Eng, Li Li & Fang, Hanqing & Tian, Xi & Yu, T. Robert & Zhang, Hongxian, 2019. "Financial crisis and real earnings management in family firms: A comparison between China and the United States," *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, Elsevier, vol. 59(C), pages 184-201.
- [16] Feng M, Ge W, Luo S, Shevlin T (2011) Why do CFOs become involved in material accounting manipulations? *J Account Econ* 51(February):21–36.
- [17] Francis J, Huang A, Rajgopal S, Zang A (2008) CEO reputation and earnings quality. *Contemp Account Res* 25(Spring):109–147.
- [18] Geiger M, North D (2006) Does hiring a new CFO change things? An investigation of changes in discretionary accruals. *Account Rev* 81(July):781–809 .
- [19] Graham JR, Harvey CR, Rajgopal S (2005) The economic implications of corporate financial reporting. *J Account Econ* 40(1):3–73
- [20] Healy, P.M., and J.M. Wahlen. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. *Accounting Horizons* 13(4): 365-383.
- [21] Jiang J, Petroni K, Wang I (2010) CFOs and CEOs: who have the most influence on earnings management? *J Financ Econ* 96(June):513–526 Jiang, F.,Zhu, B., and Huang, J.,(2017),“CEO’s Financial Experience and Earnings Managemen”, *J. of Multi. Fin. Manag.*, 23,PP.134-145.
- [22] Jiang, F.,Zhu, B., and Huang, J.,(2013),“CEO’s Financial Experience and Earnings Managemen”, *J. of Multi. Fin. Manag.*, 23,PP.134-145.
- [23] Kim Y, Park M, Wier B (2012) Is earnings quality associated with corporate social responsibility? *Account Rev* 87(3):761–796.
- [24] Roychowdhury, Sugata, (2006), "Earnings Management through Real Activities Manipulation", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42, PP. 335-370.
- [25] Schipper, K., (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, Vol. 3, pp:91-102.
- [26] Zang A (2012) Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *Account Rev* 87(2):675–703.